

ضابطه و حکم «اجتماع عرضی اسباب»*

سید محمد امین زاده**

چکیده

هرگاه چند عامل، خسارتی را ایجاد کنند، مسئله تعیین ضامن و تقسیم مسئولیت بین عوامل بروز می‌کند که در فروض مختلف قابل تصور است. فقها و حقوقدانان جهت تفکیک مباحث، اصطلاحات خاصی را جعل کرده‌اند و به تعریف آنها پرداخته‌اند که به دسته‌بندی مطالب کمک کرده است. از میان اصطلاحات مورد اشاره «سبب» جایگاه ویژه‌ای دارد. هرگاه چند «سبب» خسارت واحدی را به وجود آورند، اجتماع اسباب واقع می‌شود. فقها و حقوقدانان، اجتماع اسباب را در دو فرض مورد بررسی قرار داده‌اند که عبارت‌اند از اجتماع طولی اسباب و اجتماع عرضی اسباب. در این تقسیم‌بندی، نویسندگان معیار طولی و عرضی بودن اجتماع اسباب را مشخص نموده و صرفاً به مصادیق و حکم آن اشاره کرده‌اند. از استقرای مصادیق اجتماع عرضی اسباب در متون فقهی و حقوقی، به نظر می‌رسد می‌توان دو معیار همزمانی در ایجاد عامل تلف و تجزیه‌ناپذیر بودن عامل ایجاد تلف را به عنوان ضابطه عرضی بودن اجتماع اسباب دانست و سایر مصادیق را از نوع اجتماع طولی اسباب محسوب نمود.

کلید واژه‌ها: سبب، مباشر، اجتماع اسباب، سبب عرضی، مسئولیت مدنی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۰۹ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۰۹.

** استادیار گروه حقوق مؤسسه آموزش عالی مهر / aminzadeh@toloemehr



مقدمه

بی شک مسئله مسئولیت مدنی از مباحث بسیار مهم و اساسی در حقوق خصوصی به شمار می‌رود و هرگاه وجود چند عامل در ورود یک ضرر دخیل باشد، مسئله پیچیدگی و اهمیت دو چندان پیدا می‌کند.

امروزه با توجه به صنعتی شدن جوامع و گسترده‌گی استفاده از ابزارآلات مختلف بحث از تعیین ضابطه‌ای برای تقسیم مسئولیت بین عوامل مختلف پدید آورنده یک خسارت، دارای ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

هنگامی که در مسئولیت مدنی عامل ورود خسارت متعدد باشد، برای تعیین مسئولیت عاملان باید به نحوه دخالت آنان در ورود ضرر توجه نمود. بر این مبنا سه صورت کلی قابل فرض است:

۱. تمام عوامل به صورت مستقیم و بلا واسطه در ورود خسارت سهیم باشند؛
۲. تمام عوامل به صورت غیر مستقیم و مع الواسطه باعث ورود ضرر شده باشند؛

۳. بعضی عوامل مستقیم و بعضی مع الواسطه ضرر را به وجود آورده باشند.
در اصطلاح فقهی و حقوقی به صورت اول اجتماع مباشرین و به صورت دوم اجتماع اسباب و به صورت سوم اجتماع سبب و مباشر اطلاق می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰: ۳۵۲؛ حلی ۱۴۰۸، ج ۳: ۱۸۶)

برای هر کدام از حالات فوق می‌توان تقسیم‌بندی‌های مختلفی مطرح کرد که ثمره آن در احکام ضمان و در تعیین مسئولین خسارت می‌باشد. در اجتماع اسباب تقسیم‌بندی مشهوری که وجود دارد، تفکیک اجتماع اسباب به طولی و عرضی است. علت تقسیم‌بندی مذکور تفاوت در حکم مسئولیت و ضمان بودن عوامل دخیل در آنها است. با این توضیح که در اجتماع عرضی، حکم به اشتراک ضمان داده‌اند (رشتی، ۱۳۲۲: ۳۹ و ۴۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۱۶۴) اما در اجتماع طولی نظرات مختلفی بیان شده است. (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۲۴۰ و ۲۵۸؛ رشتی، ۱۳۲۲: ۴۰)

کاستی موجود در این زمینه، این است که برای طولی و عرضی بودن اجتماع اسباب ضابطه و معیار مشخصی ذکر نشده است و گاهی صرفاً به مصادیق آن اشاره شده است. همچنین در حکم اجتماع عرضی مشخص نیست که اسباب متضامناً مسؤول اند یا هرکس به نسبت سهم خود در ایجاد ضرر مسؤول است.

در این مقاله ابتدا به مفهوم سبب می‌پردازیم و اختلافاتی را که بیان کرده‌اند ذکر می‌کنیم، سپس برای تعیین قلمرو بحث، فروض مختلف اجتماع اسباب را مطرح کرده و

آنهايي را که از بحث خارج هستند جدا می‌کنيم و سپس به ضابطه عرضی بودن اجتماع اسباب پرداخته و در نهایت حکم آن را بررسی می‌کنيم.

۱. مفهوم سبب

«سبب» در معنای لغوی به معنی هر آن چیزی است که برای رسیدن به چیز دیگر به آن بپیوندند و جمع آن اسباب است. گفته شده اسباب به معنی اطراف و نواحی می‌باشد. (ابن منظور، بی‌تا، ج ۱: ۴۵۸)

در معنای اصطلاحی واژگان مباشر، سبب، علت، شرط از کلمات رایج در مسئولیت مدنی می‌باشند که همگی از فقه اخذ شده‌اند اما در متون روایی و ادله ضمان اثری از این اصطلاحات نیست و فقها از قرن پنجم به بعد از این کلمات بهره برده‌اند. (قیاسی، ۱۳۷۵: ۲۰) به همین علت بعضی از فقها معتقدند از آنجا که در روایات چنین الفاظی وجود نداشته و عنوان هیچ حکمی قرار نگرفته‌اند دلیل و انگیزه‌ای برای تعریف آنها وجود ندارد (نجفی، بی‌تا، ج ۴۳: ۵۰) و اسناد عرفی تلف را به شخص برای ضامن بودن او، کافی دانسته‌اند. (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق: ۴۳۵)

اما به نظر می‌رسد اگر چه ملاک ضمان، اسناد عرفی تلف به فاعل است، لکن تشخیص آن در تمام موارد آسان نیست و برای مثال در اجتماع عوامل موجب ضرر باید فروض مختلف را تجزیه و تحلیل نمود، بنابراین باید فهم عرفی را ضابطه‌مند کرد تا بتوان مسؤل یا مسؤلان را از دیگر عوامل تشخیص داد، بدین منظور مفاهیم موجود در بحث ضمان باید از هم تفکیک شده و هر مفهوم به درستی تبیین شود، همان گونه که اشاره شد، فقها به جعل این اصطلاحات پرداخته‌اند که البته در تعریف آنها با هم اختلاف دارند.^۱

برخی از فقها در تعریف سبب بیان داشته‌اند:

سبب موجب ضمان عبارت از فعلی است که انتظار تلف از آن می‌رود هر چند وقوع تلف امری احتمالی باشد یعنی بعید نیست که منجر به تلف شود. (رشتی، ۱۳۲۲: ۲۹)

۱. انتخاب این تعریف‌ها و بحث درباره آن تنها جنبه نظری ندارد، چنان که هرگاه تعریف علامه (که بیان خواهد شد) مبنا قرار گیرد، باید شخص به کاری دست زند که حسب عادت برای ایجاد علت به کار می‌رود. حتی بعضی از آن استفاده کرده‌اند که ایجاد تلف به قصد اتلاف باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۵۹) برای مثال گوسفندی را غصب کند که بچه آن بمیرد یا مالک را مانع از حراست شود تا گله تلف شود. به همین جهت صاحب مسالک در رد این احتمال می‌نویسد: «و الأصح الضمان مع استناد التلف إلى فعل الغاصب، بمعنى أنه لو لا الغصب و الحبس لما تلف عادة، فإن الواقع في العبارة أعم منه، لتحقق السببية حينئذ، و القصد غير معتبر في تحققها و ترتب أثرها كما اقتضاه التعريف الذي اخترناه». (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۱۷۰)



ایشان در توضیح این تعریف، افعالی را که موجب ضرر و خسارت می شوند بر سه نوع تقسیم می کند:

۱. افعالی که به حسب نوع و افراد، غالباً موجب تلف می شوند. این دسته همان افعالی اند که ذاتاً موجب تلف می شوند به عبارتی در صورت عدم وجود مانع و وجود تمام شرایط از وجودشان، وجود لازم می آید. مانند انداختن کسی در آتش که نوعاً موجب تلف است، مگر آنکه مانعی وجود داشته باشد و یا شرطی مفقود باشد؛
۲. افعالی که به اعتبار خصوصیت مورد یا خصوصیت محل موجب تلف شده اند، مانند آنکه شخصی دیگری را می زند به گونه ای که به دلیل ضعف زیان دیده، ضربه مذکور، موجب قتل وی می گردد؛
۳. افعالی که به واسطه وجود شرطی دیگر موجب ضرر می شوند. در این افعال ایجاد خسارت احتمالی بوده و در صورت وجود شرایط دیگر تلف حاصل می شود. (رشتی، ۱۳۲۲: ۲۹)

بعد از بیان این سه قسم از افعال موجب خسارت، محقق رشتی بیان می دارد که دو دسته اول، از مصادیق مباشرت بوده و از تعریف سبب خارج اند و بنابراین به نظر ایشان سبب عبارت است از هر فعلی که یا جزء تلف محسوب می شود یا شرط ایجاد علت تلف. ایشان معتقدند به این دلیل است که بعضی از فقها در تعریف سبب، احتمالی بودن و مورد انتظار بودن ایجاد خسارت را ذکر کرده اند و مؤثر بودن در تلف را در تعریف نیاورده اند. (رشتی، ۱۳۲۲: ۳۰-۲۹)

به نظر بعضی، این دسته بندی ها درست نیست، زیرا فرقی که ایشان بین اقسام ذکر شده گذاشته است، روشن نیست. چون ایشان فرموده: بعضی از افعال در صورتی که به مانع برخورد نکنند یا شرطشان مفقود نباشد، ذاتاً کشنده هستند، درحالی که معقول نیست اثر ذاتی فعلی موقوف به وجود شرط یا فقدان مانع باشد، زیرا اگر اثری ذاتی چیزی باشد، به محض ایجاد، اثر ذاتی محقق خواهد شد. (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۵: ۴)

به نظر نگارنده اگرچه این اشکال وارد است، اما شاید بتوان گفت منظور محقق رشتی از اثر ذاتی، اثری بوده که مقتضای آن فعل است، یعنی اگر مانع مفقود و شرط موجود باشد آن اثر واقع خواهد شد. به هر حال این تقسیم بندی تا حدودی به تفکیک مفاهیم کمک کرده و محدوده سبب را روشن تر می کند.

بعضی در تعریف تسبیب گفته اند: هر فعلی که به سبب آن تلف حاصل می شود تسبیب است مانند حفر چاه در غیر ملک و ایجاد چاله در معابر عمومی.^۱ (محقق حلی،

۱. التسیب و هو کل فعل يحصل التلف بسببه كحفر البئر فی غیر الملك و طرح المعائر فی المسالك.



۱۴۰۸ق: ۱۸۶) ایشان در جای دیگر ضابطه آن را این گونه معرفی کرده‌اند که: «سبب اگر نباشد تلف نیز واقع نخواهد شد، لکن علت تلف چیزی غیر از سبب است، مانند حفر چاه و نصب چاقو و پرتاب سنگ»^۱. (محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ۲۳۷)

به نظر می‌رسد این تعاریف از روایات وارده در این ابواب برداشت شده است (ر.ک: عاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۸۱) اما نکته‌ای که در این دو تعریف وجود دارد این است که اولاً ضابطه‌ای در تعریف بیان نشده و صرفاً مصادیقی ذکر شده است و ثانیاً در مثال تعریف اول قید «غیر ملک» را آورده‌اند که در مثال تعریف دوم به آن اشاره نشده است. همچنین در تعریف سبب گفته شده است: «سبب آن است که اثری در تولید جنایت داشته باشد، همان طوری که علت چنین تأثیری دارد، ولی شباهتی نیز با شرط دارد».^۲ (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ۵۸۹)

به طور اجمال، در تعریف شرط می‌توان گفت: امری است که تأثیر مؤثر متوقف بر آن است و مدخلیتی در علیت ندارد، مانند حفر چاه در ملک شخصی حافر که شرط افتادن در چاه می‌باشد.

شهید اول در نقد این تعریف، می‌گوید: این تعریف اخص از مدعی است، زیرا شامل تعدد اسباب نمی‌گردد و فقط به سببی اختصاص دارد که علت از لوازم آن باشد، مگر اینکه گفته شود مقصود از ملزوم علت، اعم از ملزوم با واسطه یا بی‌واسطه است. (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۵: ۴)

البته شهید اول در جایی دیگر^۳ به تعریف قبلی قیدی را افزوده است که در نتیجه آن، تسبیب وقتی محقق می‌گردد که فاعل، قصد وقوع علتی را که از لوازم سبب است داشته باشد. (شهید اول، ۱۴۱۴ق: ۳۹۲)

گروهی دیگر از فقها عقیده دارند در تحقق تسبیب لازم است که سبب امری باشد که وقوع علت تلف پس از آن مورد انتظار باشد.^۴ (کرکی، ۱۴۱۴ق: ۲۰۶)

از آنچه بیان شد می‌توان سبب را این گونه تعریف نمود که سبب فعلی است که اگر نباشد تلف نیز واقع نخواهد شد؛ البته در این تعریف باید به دو نکته توجه داشت. اولاً سبب، علت تلف نیست. به تعبیری دیگر ایجاد خسارت، احتمالی است. ثانیاً ضرر به سبب منتسب است، بنابراین با قید اول تفاوت سبب و علت مشخص می‌شود، چرا که

۱. الأسباب و ضابطها ما لولاه لما حصل التلف لكن علة التلف غيره كحفر البئر و نصب السكين و إلقاء الحجر.

۲. السبب، فهو ما له أثر ما في التوليد كما للعلّة، لكنّه يشبه الشرط من وجه.

۳. السبب علی ما فسّره الفقهاء، هو إيجاد ملزوم العلة قاصدا لتوقع تلك العلة.

۴. التسبیب و هو إيجاد ما يحصل التلف عنده، لكن بعلة أخرى إذا كان السبب مما يقصد لتوقع تلك العلة كالحافر.



هرگاه علت وجود داشته باشد معلول (ضرر) هم لاجرم ایجاد خواهد شد، درحالی که با وجود سبب، وقوع ضرر حتمی و یقینی نیست و با قید دوم مرز بین سبب و شرط تعیین می شود، چرا که اگرچه شرط در ایجاد خسارت مدخلیتی دارد، اما ضرر به آن منتسب نیست و نمی توان مجموع عوامل و شرایط دور و نزدیک را جزء اسباب شمرد و آنها را ضامن خسارت دانست، زیرا در تمام زیان های مالی، عواملی وجود دارد که در کنار موجبات ضمان، زمینه تحقق ضرر را ایجاد کرده است و با فقدان هر کدام، ضرر واقع نمی شود اما نمی توان ضرر را به این عوامل منتسب کرد.

برای مثال در تمامی موارد موجب ضمان می توان گفت که بدون اعطای قدرت، حیات، اراده، بینایی و... از جانب خداوند، فعل زیان آور یا فعل نامشروع اتفاق نمی افتاد و بر مبنای آن خداوند با همه عوامل و موجبات ضمان مسئولیت دارد؛ ناگفته پیداست که این سخن باطل است، زیرا جایگاه مسئولیت، افعال انسان مختار است.

ذکر این نکته لازم است که موضوع مسئولیت مدنی، تعیین مسئول یا مسئولان حادثه و میزان مسئولیت ایشان است و وجود مسئولیت فرع بر اختیار و اراده می باشد، لذا هرگاه از اجتماع اسباب سخن می گوئیم مقصود، اجتماع عوامل انسانی در ایجاد یک حادثه است بنابراین هرگاه چند نفر مجتمعاً چاهی را حفر کنند فرض از صور اجتماع اسباب خواهد بود، هرچند سبب ایجاد خسارت به ظاهر چاه است که یک عامل محسوب می شود.

۲. فروض اجتماع اسباب

در مواردی که عوامل مختلف به صورت غیرمستقیم، ضرری را به وجود آورده اند، به دشواری می توان گفت که کدام عامل یا عاملان مسئول هستند.

در مسئولیت های کیفری هرگاه اسباب متعدد در ایجاد ضرر جنایی به طور مؤثر مشارکت داشته باشند، همه عوامل مؤثر به نحوی در ارتکاب جرم مسئول شناخته می شوند، زیرا جرم کاملاً یا بعضاً به همه اسباب انتساب می یابد و مشمول مجازات می گردند. در مسئولیت های مدنی از آنجا که جبران ضرر و ادای خسارت قابل تکرار نیست و همچنین تقسیم مسئولیت میان اسباب و عوامل کار آسانی نیست، حل مشکل تعیین مسئول یا مسئولان، بحث نظری طولانی را می طلبد. جای تردید نیست که در فرض تعدد اسباب و عوامل ضمان ادعای خواننده به تنهایی برای تعیین ضامن از میان عواملی که در ایجاد سبب ضمان مشارکت نموده اند کافی نیست، همچنین فرض انحصار علت از فرض مسئله خارج می باشد. عامل مؤثرتر نیز به دلیل فرض مشارکت نمی تواند در حکم سبب، منحصر به فرد تلقی شود. در چنین شرایطی به بررسی فروض مختلف اجتماع اسباب و احکام آن می پردازیم.

اجتماع اسباب به دو صورت ممکن است واقع شود؛ تعدد سبب، تعدد ضرر(تعاقب اضرار) و تعدد سبب، ضرر واحد.

أ) تعدد سبب، تعدد ضرر(تعاقب اضرار)

برای تبیین موضوع بحث نخست مثال‌هایی ارائه می‌شود:

۱. شخصی در نتیجه بی‌مبالاتی یا به عمد دیگری را مجروح می‌سازد. مجروح به سیاه زخم مبتلا می‌شود و دست او را ناچار قطع می‌کنند. در نتیجه این حادثه مجروح شغل خود را دست می‌دهد، به تنگدستی می‌افتد و کودکان او به سبب ناتوانی مالی از دست می‌روند.

۲. شخصی گاو بیماری را به دامداری می‌فروشد و در اثر سرایت بیماری به دیگر گاوها، سایر گاوهای خریدار نیز تلف می‌شوند و در نتیجه او نمی‌تواند به تعهد خود درباره رساندن شیر به کارخانه‌ها عمل کند و در اثر آن عایداتی را که از این طریق بنا بود به دست آورد از دست می‌دهد، لذا موفق به شخم زدن مزرعه خود نمی‌شود و از این راه متحمل خساراتی می‌گردد.

در این دو مثال، شخصی حادثه زیانباری را به وجود می‌آورد، ولی این حادثه به نوبه خود ضرر دیگری ایجاد می‌کند و این ضرر نیز علت ورود زیان تازه‌ای می‌شود. سؤال این است که آیا کسی که نخستین حادثه را سبب شده است مسئول ضررهای دوم و سوم نیز می‌باشد و این تسلسل را تا کجا باید ادامه داد و آیا می‌توان تقصیر او را سبب ایجاد همه این ضررها دانست؟ اما سؤال اصلی پیش از پاسخ به این پرسش‌ها، حیطة‌ای است که این مثال‌ها در آن قرار می‌گیرند، یعنی آیا این موارد را می‌توان از اقسام اجتماع اسباب به شمار آورد؟

بعضی از حقوقدانان، چنین مواردی را اجتماع اسباب به صورت طولی دانسته‌اند و بیان کرده‌اند که این‌ها مصادیق موردی هستند که مجموع چند سبب زبانی را وارد می‌آورد، زیرا در این دو مثال نیز در ایجاد آخرین ضرر همه اسباب پیش از آن دخالت داشته‌اند(کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۶۲) درحالی‌که در بیان فقها مفهوم طولی بودن اجتماع اسباب، متفاوت است با آنچه که حقوقدانان گفته‌اند که توضیح مفهوم آن خواهد آمد. اما باید گفت که فقها در بحث اجتماع اسباب به درستی از ذکر چنین مثال‌هایی اجتناب کرده‌اند، شاید علت، آن باشد که چنین مواردی را در زمره اجتماع اسباب نمی‌دانسته‌اند نه اجتماع طولی و نه عرضی، چرا که این موارد در حقیقت تسلسل اسباب و علل است و قیاس آن با اجتماع اسباب قیاس مع الفارق است(عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۸۸) زیرا در چنین





مواردی وجود عوامل واسطه، تسبیب را ضعیف می‌کند و از نظر عرفی سبب در برابر اخیر بی‌اثر تلقی می‌شود و حکم مباشر قوی در برابر سبب ضعیف را پیدا می‌کند. بنابراین با توجه به آنچه گفته شد، این فرض (تعدد سبب، تعدد ضرر) از بحث ما که اجتماع اسباب است، تخصصاً خارج بوده و پرداختن به آن در موضوع مقاله نمی‌گنجد، اما هرگاه بتوان عرفاً برای ضرر واحدی که ایجاد شده، دو یا چند سبب یافت، مسئله، داخل در مبحث اجتماع اسباب می‌باشد که در ادامه حکم آن بیان خواهد شد.

ب) تعدد سبب، ضرر واحد

این قسمت را فقها به دو بخش تقسیم کرده‌اند؛ اجتماع طولی اسباب و اجتماع عرضی اسباب.

در مورد مفهوم طولی بودن اسباب ذکر این نکته کافی است که طولی بودن در مقابل عرضی بودن قرار دارد و با روشن شدن مفهوم اجتماع عرضی اسباب، آنچه در مفهوم اجتماع عرضی نمی‌گنجد، اجتماع طولی خواهد بود. از این جهت، لازم است مفهوم اجتماع عرضی اسباب را با بیان ضابطه آن تبیین نمود. لازم به ذکر است در خصوص تعیین مسئولین و میزان مسئولیت ایشان در اجتماع طولی اسباب نظرات مختلفی بیان شده که بررسی آنها از حوصله مقاله حاضر خارج است و خود بحثی مستقل را می‌طلبد.

۳. ضابطه عرضی بودن اجتماع اسباب

برای عرضی بودن اجتماع اسباب، تعریفی ارائه نشده و فقها نظر متقنی نداده‌اند و بدون آنکه به مفهوم آن اشاره کنند، حکم آن را اشتراک در ضمان دانسته‌اند. برای مثال شهید ثانی در مسالک، بدون ذکر مثال می‌فرماید: هرگاه شخصی چاهی را در محلی عدواناً حفر کند و دیگری در کنار آن سنگی را بگذارد و رهگذری به آن سنگ برخورد کند، اگر در وقت واحد اتفاق بیفتد، در ضمان مشترک هستند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۱۶۴)

همچنین علامه در کتاب تذکره می‌فرماید: اگر اسباب متعدد به ترتیب باشند، ضمان بر عهده سبب مقدم است، مانند آنکه شخصی چاهی را در محلی عدواناً حفر کند و دیگری سنگی قرار دهد و انسانی در اثر برخورد با سنگ به چاه بیفتد که ضمان بر عهده واضع سنگ است. . . اما اگر ترتیبی وجود نداشته باشد، ضمان بر عهده هر دوی آنها (حافر چاه و واضع سنگ) است.^۱ (علامه حلی، بی تا: ۳۷۴)

۱. لو انتفی الترتیب فالضمان علیهما کما لو حفر و وضع الحجر معا فان الضمان علیهما.

از این عبارات برای عرضی بودن، همزمانی اسباب در تأثیر برداشت شده است، درحالی که نمی‌توان از این کلمات چنین مفهومی برداشت کرد، لذا برخی از فقها تلاش کرده‌اند تا منظور ایشان از عدم ترتیب در اسباب یا در وقت واحد بودن اسباب را پیدا کنند.

محقق رشتی در کتاب *العصب عقیده* دارد منظور از همزمانی اسباب در کلام علامه، نمی‌تواند همزمانی در تأثیر باشد چرا که در مثال حفر چاه و وضع سنگ، اقتران زمانی تأثیر این دو قابل تصور نیست، چه رسد به اقتران در رتبه و ترتیب آنها مگر اینکه صورت همزمانی اسباب را در غیر مثالی که فرض شده است، در نظر بگیریم که هر چند در اصل مثال مشترک‌اند، اما در حالت آنها تفاوت وجود دارد و اگر این گونه بگوییم مراد علامه از همزمانی، در حالتی بوده که سنگ در درون چاه قرار گرفته باشد در این صورت برداشت از کلام علامه صحیح خواهد بود (رشتی، ۱۳۲۲: ۴۱) اما در ادامه میرزا حبیب الله به این فرض اخیر نیز ایراد می‌کند که حتی در صورتی که سنگ در درون چاه قرار گرفته باشد، اثر اسباب، همزمان نخواهد بود و بالاخره اثر سنگی که در چاه قرار گرفته بعد از اثر چاه خواهد بود. (رشتی، ۱۳۲۲: ۴۱)

به نظر می‌رسد همان طور که میرزا حبیب الله بیان کرده، منظور از همزمانی و عرضی بودن اجتماع اسباب، اقتران زمانی در تأثیر نمی‌باشد، چه اینکه چنین چیزی فرض نمی‌شود و بالاخره در ایجاد حادثه‌ای که اسباب مختلف دخالت دارند هر کدام از آنها در زمان و رتبه‌ای خاص اثر می‌گذارند. پس در چه صورتی می‌توان اجتماع اسباب را از نوع عرضی دانست و ملاک عرضی بودن چیست؟ متأسفانه در کتب فقهی و حقوقی مستقلاً به این پرسش پاسخ داده نشده و در مواردی تنها به مصادیقی از آن اشاره شده است. به نظر نگارنده تنها با دو معیار می‌توان همزمانی یا عرضی بودن اجتماع اسباب را تصور کرد؛ همزمانی در ایجاد عامل تلف و تجزیه‌ناپذیر بودن عامل ایجاد تلف.

أ) همزمانی در ایجاد عامل تلف

هرگاه عوامل به طور همزمان و در عرض یکدیگر عمل کنند و عامل دور و نزدیکی در آن متصور نباشد به گونه‌ای که اسباب عرفاً همزمان، عامل تلف را ایجاد کرده باشند و نتوان سبب اول را از سبب آخر تمیز داد، مورد از مصادیق اجتماع عرضی اسباب به شمار می‌رود؛ شاید بتوان گفت مقصود علامه حلی در کتاب *تذکره* از نفی ترتیب ضمان، همین حالت بوده است، زیرا مثالی را که ذکر نموده منطبق با این ملاک می‌باشد آنجا





که بیان داشته اگر حفر چاه و وضع سنگ با هم باشد ضمان بر عهده هر دوی آنها است. (علامه حلی، بی تا: ۳۷۴)

در کتب فقهی مسئله‌ای مطرح شده که به موجب آن کسی چاهی کم‌عمق را حفر کرده و دیگری آن را عمیق می‌کند و رهگذری در آن افتاده و تلف می‌شود. فقها این مورد را از مصادیق اجتماع طولی اسباب شمرده‌اند و حکم آن را ضامن بودن حافر اول دانسته‌اند و البته اشتراک در ضمان را احتمالی قوی دانسته‌اند. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ۲۸۰؛ فخر المحققین، ۱۳۸۷: ۶۶۹؛ شهید اول، ۱۴۱۴ق: ۴۴۷)

صاحب جواهر پس از بیان نظر فقها در این مورد، اشتراک در ضمان را صحیح ندانسته و فقط در صورتی که آنها با هم چاه را حفر کرده باشند، حکم به اشتراک را موجه دانسته است. (نجفی، بی تا، ج ۴۳: ۱۴۸) به نظر می‌رسد مرحوم صاحب جواهر از آنجا که ضمان را در اجتماع طولی بر عهده سبب مقدم در تأثیر می‌داند، حکم به اشتراک ضمان را در مثال مذکور نادرست می‌شمارد و این حکم را مختص به اجتماع عرضی می‌داند و مثال آن را حفر چاه به صورت هم‌زمان می‌داند.

یکی از نویسندگان در بیان مثال برای این اجتماع عرضی اسباب، افرادی را ذکر کرده است که به طور مشترک خودروی قابل اشتعالی را واژگون می‌کنند و بر اثر آن خودرو مشتعل و منفجر می‌شود. (عمیدزنجانی، ۱۳۸۲: ۹۰) به نظر می‌رسد در ذکر مثال، دقت کافی نشده چه اینکه افرادی که خودرو را واژگون می‌کنند از نظر اصطلاحات فقهی - حقوقی، مباشر محسوب می‌شوند نه مسبب، لذا مثال ناظر به اجتماع مباشرین است که از بحث فعلی ما خارج است.

اما شاید مثالی که بتوان برای این حالت ذکر کرد، افرادی باشند که با یکدیگر به تولید کالایی می‌پردازند، مثلاً مهندسانی که با هم قطعات اتومبیلی را مونتاژ می‌کنند و در سر هم کردن قطعات دقت کافی را به عمل نیاورده و در اثر این بی‌مبالاتی اتومبیل معیوب می‌شود. خریدار بی‌اطلاع از عیب نهانی سوار اتومبیل شده و دچار آسیب می‌شود. در این فرض از آنجا که مهندسان اسباب تلف می‌باشند و هم‌زمان به ایجاد اتومبیل پرداخته‌اند، در حقیقت عامل تلف را هم‌زمان ایجاد کرده‌اند و نمی‌توان یکی از ایشان را بر دیگری مقدم دانست؛ البته واضح است که منظور از هم‌زمانی، هم‌زمانی عرفی است و نباید در این موارد دقت فلسفی کرد.

ب) تجزیه‌ناپذیر بودن عامل ایجاد تلف

هرگاه نتوان عامل ایجاد تلف را به اجزای مختلف تقسیم کرد و در عین حال آن عامل خود توسط چند سبب ایجاد شده باشد در اینصورت خسارت به همه آن اسباب نسبت



داده می‌شود و اسبابی که عاملان ایجاد آن می‌باشند، در مسئولیت شریک‌اند. برای مثال هرگاه چند نفر با شهادت دروغ خود باعث شوند قاضی حکم به قصاص یا اجرای حد در مورد کسی بدهد عامل اجرای قصاص یا حد شهادت دروغ بوده که توسط شاهدان ایجاد شده، یا اگر چند نفر با هم شخصی را با تهدید مجبور به ارتکاب جنایتی نمایند، از آنجا که عامل جنایت مذکور تهدید می‌باشد که توسط چند سبب واقع شده و نمی‌توان تهدید را به اجزاء مختلف تقسیم کرد، خسارت وارده به همه اسباب به صورت مساوی منتسب است، هر چند در زمان‌های مختلف، سبب‌سازی کرده باشند. مثلاً شاهدان به نوبت شهادت دروغ داده‌اند که اگر چه در زمان‌های مختلف بوده، اما با توجه به نتیجه حاصله، آنها در عرض هم قرار می‌گیرند. در حقیقت عامل ایجاد تلف امری واحد و بسیط است که توسط چند سبب ایجاد شده و قابل تجزیه نیست.

در فقه نیز هرگاه شهود از شهادت خویش رجوع نمایند ضامن می‌باشند و با توجه به اینکه به طور مساوی در ایجاد تلف دخیل بوده‌اند، به طور مساوی مسئول می‌باشند. (نجفی، بی‌تا، ج ۴۱: ۲۳۸)

فقها دلیل ضمان را استناد تلف به شهادت شهود دانسته‌اند و در تأیید آن به روایاتی تمسک جسته‌اند. (خویی، بی‌تا: ۱۸۵)^۱

۴. حکم اجتماع اسباب در حالت عرضی

در صورتی که خسارت در اثر اجتماع اسباب به صورت عرضی ایجاد شده باشد، فقها حکم به ضمان مشترک بین اسباب داده‌اند و اصطلاحاً آن را تشریک در ضمان گفته‌اند؛ تشریک در اصطلاح فقهی در مقابل تخییر قرار دارد که تشریک ناظر به تقسیم مسئولیت به طور مساوی بین اسباب است و تخییر به معنی تضامنی بودن مسئولیت بین اسباب است که زیان دیده مختار است به هر کدام از آنها که بخواهد رجوع کرده و تمام خسارت را بستاند. (رشتی، ۱۳۲۲: ۳۹ و ۴۰)

برخی از فقها علت حکم دادن به تشریک را عدم ترجیح سببی بر سبب دیگر دانسته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۶۴)

نکته‌ای را که لازم است متذکر شویم این است که به خلاف آنچه که عده‌ای از حقوقدانان (قاسم‌زاده، ۱۳۸۳: ۹۱) ایراد گرفته‌اند که در جایی که تأثیر اسباب متفاوت

۱. در این زمینه دو روایت صحیح وارد شده که در هر دو به ضامن بودن شهود دروغین تصریح شده است. به موجب این دو صحیح، هرگاه پس از حکم مستدل به بینه، مال محکوم به باقی باشد، عیناً بازگردانده می‌شود و اگر موجود نباشد شهود زور به میزان تلف ضامن می‌باشند. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق:



است، حکم به مسئولیت مساوی بین اسباب پذیرفته نیست. باید گفت در حکم اجتماع عرضی اسباب بحثی از تقسیم مسئولیت به میزان تأثیر اسباب مطرح نمی‌شود، زیرا با توجه به ضابطه‌ای که برای تعیین عرضی بودن اجتماع اسباب بیان شد، تأثیر آنها در ایجاد عامل تلف یکسان است و در حقیقت به صورت یک مجموعه واحد و بسیط در ایجاد عامل تلف عمل می‌کنند، لذا هرگاه بنا باشد اسباب مذکور در مقابل زیان دیده پاسخگو باشند، به صورت مساوی ضامن خواهند بود، اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که ایشان متضامناً مسئول هستند یا هر کدام به اندازه مسئولیت خود ضامن است؟ به نظر می‌رسد بهتر است همان طور که بعضی فقها (رشتی، ۱۳۲۲: ۳۹ و ۴۰) اشاره کرده‌اند قائل به تفکیک شد. در فرضی که خسارت با اجتماع قدرت اسباب به وجود آمده باشد یعنی هیچ کدام از اسباب به تنهایی قادر به ایجاد خسارت مورد نظر نبوده‌اند و بلکه هنگامی که تمام اسباب با هم جمع شده‌اند، تلف بوجود آمده است، حکم به تشریک یا تساوی و عدم تضامن بین اسباب باید داد و هر کدام به اندازه مسئولیت خود، ضامن می‌باشند، اما در صورتی که اجتماع آنها ضرر را ایجاد کرده اما اگر یکی از آنها هم به تنهایی مداخله می‌کرد، چنین ضرری ایجاد می‌شد باید حکم به تخییر داد و نه تشریک، یعنی مسئولین متضامناً ضامن جبران خسارت هستند. به این معنا که زیان دیده جهت دریافت غرامت به هر کدام از اسباب که بخواهد می‌تواند، رجوع کند.

ظاهراً علت چنین حکمی این است که در نظر عرف، هر کدام از اسباب، عامل مستقلی برای ایجاد خسارت بوده و بنابراین نسبت به کل ضرر ضامن است و پرداخت کل خسارت توسط یک سبب به زیان دیده ناعادلانه نیست، به خلاف نوع اول که در نظر عرف مجموع اسباب با یکدیگر عامل ورود ضرر می‌باشند و نمی‌توان هر کدام از اسباب را به تنهایی عامل و سبب ضرر شمرد.

ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی به صراحت نحوه تقسیم مسئولیت را بیان کرده است. در این ماده آمده است: «هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور مساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود».

از طرفی در ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی آمده است: «... هرگاه چند نفر مجتمعاً زبانی وارد آورند متضامناً مسئول خسارت وارده هستند...»^۱. گرچه این ماده اعم از این بحث است و ناظر به اجتماع مباشرین و اجتماع سبب و مباشر نیز می‌باشد و از طرفی به مسئولیت کارفرمایان در برابر زیان‌هایی که کارکنان اداری یا کارگران آنها حین

۱ به گفته برخی این ماده ترجمه بند اول ماده ۵۰ قانون تعهدات سوئیس است که مقرر می‌دارد: «هرگاه چند نفر مجتمعاً زبانی وارد آورند متضامناً مسئول خسارات وارده هستند بدون اینکه بین آنها محرک و مباشر و شریک تشخیص داده شود.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۲۷)



انجام کار یا به مناسبت آن وارد می‌کنند، اختصاص دارد، اما حاوی اصلی کلی درباره اشتراک در مسئولیت اسباب متعددی است که با هم زیان وارد می‌کنند.

بنابراین دو ماده فوق‌الذکر در یک نکته مشترک هستند و آن اینکه در هر دو، تمامی اسباب دخیل در ایجاد عامل تلف مسئول هستند، با این تفاوت که ماده ۱۴ ق.م.ا آنها را متضامناً مسئول می‌داند اما ماده ۳۶۵ ق.م.ا حکم به عدم تضامن می‌دهد. برای جمع این دو ماده می‌توان آنها را با توجه به نظر فقها تفسیر کرده^۱ و این گونه بیان کنیم که ماده ۱۴ ق.م.ا ناظر به مواردی است که اجتماع اسباب، ضرر را ایجاد کرده، اما اگر یکی از آنها هم به تنهایی مداخله می‌کرد، چنین ضرری ایجاد می‌شد، بنابراین هر کدام از آنها متضامناً مسئول است، اما در صورتی که خسارت با اجتماع قدرت اسباب به وجود آمده باشد، یعنی هیچ کدام از اسباب به تنهایی قادر به ایجاد خسارت مورد نظر نبوده‌اند، ماده ۳۶۵ ق.م.ا حاکم خواهد بود و هر کدام ضامن مسئولیت خویش است.

به طور کلی می‌توان گفت ماده ۳۶۵ ق.م.ا اطلاق دارد و حتی در مورد اول نیز می‌توان آن را ناظر به تقسیم نهایی خسارت بین خود مسئولین دانست، یعنی اگر چه اسباب در مقابل زیان دیده مسئولیت تضامنی دارند، اما در بین خودشان طبق ماده ۳۶۵ ق.م.ا مسئولیت به طور مساوی تقسیم می‌گردد.

نتیجه‌گیری

اجتماع اسباب مربوط به حالتی است که در اثر اجتماع چند عامل غیر مستقیم، ضرری واحد پدید می‌آید و تعاقباً اضرار را باید از صور اجتماع اسباب خارج دانست. اسباب یا به صورت طولی اجتماع می‌کنند و یا به صورت عرضی. ضابطه عرضی بودن اجتماع اسباب یکی از دو مورد همزمانی در ایجاد عامل تلف یا تجزیه‌ناپذیر بودن عامل ایجاد تلف است.

فقها و حقوقدانان، حکم اجتماع عرضی اسباب را تقسیم مسئولیت به طور مساوی بین اسباب دانسته‌اند.

۱. اصل ۱۶۷ قانون اساسی بیان می‌دارد: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد».



اختلافی که وجود دارد این است که به تعبیر فقها حکم اجتماع اسباب، تخییر است یا تشریک؟ به تعبیری دیگر آیا مسئولین حادثه در حالت اجتماع عرضی، به طور تضامنی ضامن هستند یا هر کس به مقدار مسئولیت خود ضامن می‌باشد. ماده ۱۴ق.م.م، اسباب را به صورت تضامنی، مسئول می‌داند. از طرفی ماده ۳۶۵ ق.م.ا مسئولیت اسباب را به طور مساوی دانسته است. برای رفع این تعارض به نظر می‌رسد باید ماده ۳۶۵ ق.م.ا را مطلق دانسته و آن را ناظر به تقسیم نهایی مسئولیت بین اسباب بدانیم و ماده ۱۴ ق.م.م را ناظر به مواردی بدانیم که اجتماع اسباب، ضرر را ایجاد کرده، اما اگر یکی از آنها هم به تنهایی مداخله می‌کرد، چنین ضرری ایجاد می‌شد.

منابع و مأخذ:

- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی‌تا)، *لسان العرب*، ج ۱، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸)، *حقوق تعهدات*، ج ۱، ج ۳، تهران: گنج دانش.
- _____ (۱۳۸۰)، *ترمیم‌ولوژی حقوق*، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (بی‌تا)، *تذکره الفقهاء* (ط- القدیمة).
- _____ (بی‌تا)، *قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام*.
- حلی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف اسدی (۱۳۸۷)، *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، ج ۴، ج ۱، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- حلی، محقق نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، ج ۳ و ۴، ج ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خویی، سید ابوالقاسم موسوی (بی‌تا)، *مبانی تکملة المنهاج*، ج ۱، [بی‌جا].
- رشتی، میرزا حبیب‌الله (۱۳۲۲)، *کتاب الغصب*، تهران: نشر شیخ احمد شیرازی.

- شهيد اول، محمد بن مكي عاملی (۱۴۱۷ق)، *الدروس الشرعية في فقه الإمامية*، ج ۳، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- _____ (۱۴۱۴ق)، *غاية المراد في شرح نكت الإرشاد*، ج ۴ و ۲، ج ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- شهيد ثانی، زين الدين بن علي بن احمد عاملی (۱۴۱۳ق)، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، ج ۱۲، ج ۱، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- عاملی، محمد بن حسن بن علی (۱۴۰۹ق)، *تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة*، ج ۱۹، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲)، *موجبات ضمان: درآمدی بر مسئولیت و اسباب و آثار آن در فقه اسلامی*، تهران: نشر میزان.
- قاسم زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۳)، *مبانی مسئولیت مدنی*، تهران: میزان.
- قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۷۵)، *تسبیب در قوانین کیفری*، ج ۱، قم: مؤسسه انتشارات مدین.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، *الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)*، مسئولیت مدنی، ج ۶، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین عاملی (۱۴۱۴ق)، *جامع المقاصد في شرح التواعد*، ج ۶، ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
- مراغی، سید میر عبدالفتاح بن علی حسینی (۱۴۱۷ق)، *العناوين الفقهية*، قم: جماعة المدرسين بقم مؤسسة النشر الاسلامی.
- مرعشی شوشتری، محمدحسن (۱۳۷۵)، *«قاعده تسبیب»*، فصلنامه دیدگاه های حقوقی، ش ۲.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، *مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان*، ج ۱۴، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمد حسن (بی تا)، *جواهر الکلام في شرح شرائع الإسلام*، ج ۴۱ و ۴۳، ج ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة*، ج ۲۷، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.



